

تحلیلی پیرامون تخلیه سرپل اشغالی

دشمن در شمال نisan

گزیده اسناد عملیات طریق القدس، جلد ۴، سند شماره: ۲۱۸۸۲، ۶۰/۱۰/۴،
آرشیو مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

اشاره

سند زیر گزارشی تحلیلی است که توسط برادر غلامعلی رشید در تاریخ ۱۳۶۰/۱۰/۴ در زمینه تخلیه سرپل اشغالی شده در شمال رود نisan توسط ارتش عراق در جریان عملیات طریق القدس، تهیه شده است. پس از حمله پیروزمندانه طریق القدس، در بخش شمال نisan، منطقه ای به وسعت بیش از یک صد کیلومتر مربع با شکل هندسی مثلث در شمال رود نisan در اشغال دشمن باقی ماند، (شط نisan از غرب دغاغله تا شرفه قاعده این مثلث را تشکیل می دهد). به طور کلی، یکی از اهداف اصلی عملیات طریق القدس، قطع ارتباط نیروی دشمن در شمال و جنوب استان خوزستان بود که در پایان عملیات حاصل شد. پیش از آغاز عملیات دشمن با به کارگیری امکانات وسیع جاده سازی در منطقه، در حال احداث معابر و مسیرهای چندگانه ای برای گسترش این ارتباط بود. این امر نقش حیاتی این ارتباط را برای دشمن نشان می داد. به همین دلیل، ارتش عراق پس از شکست در تاریخ ۶۰/۹/۸، تلاش فراوانی را برای تصرف دوباره بستان و برقراری مجدد ارتباط منطقه دزفول و غرب اهواز تا خرمشهر آغاز کرد، به طوری که تیپ ۱۸ پیاده، تیپ ۴۲۲ پیاده و تیپ ۱۷ زرهی را از منطقه دزفول به منطقه شیب (غرب جزابه و سوبله)، یعنی نقطه ای از مرز که ما به آن رسیده بودیم، آورد و از سوی دیگر، به تیپ ۲۴ مکانیزه در منطقه دزفول دستور آماده باش داد و اقدام به تعویض آن با

یک گردان تانک در منطقه دشت عباس کرد تا بدین ترتیب، این یگان را نیز در منطقه شمال نisan به کار گیرد تا پیش از رسیدن این تیپ تازه نفس، نیروهای دشمن حتی با باقی مانده تیپ ۴۸ پیاده و گردان تانک قتیبه نیز، اقدام به پاتک به پل سابله بکند تا بدین ترتیب، بتوانند مجدداً خود را به بستان و سپس به جزابه برسانند. در صورتی که این نیرو طی ۲۴ ساعت در ماموریت خود موفق می شد، حمله ادامه پیدا می کرد. اما این پاتک، به لطف خداوند و یاری حضرت ولی عصر (عج) با حرکت دسته جمعی نیروهای سپاه و ارتش به صورت معجزه آسایی در هم کوبیده شد، به طوری که بیش از ده تانک و نفربر دشمن در اطراف پل سابله با هم برخورد کردند یا در آب افتادند. البته، نیروهای دشمن تعدادی از تانک های تی ۶۲ خود را نیز سالم رها و فرار کردند. پس از این پاتک، آنها مجبور شدند به جنوب نهر سابله عقب نشینی و در آن جا پدافند کنند. با این که فاصله آنها تا سابله مسافتی کم تر از یک کیلومتر بود، اما نهر سابله در اختیار نیروهای اسلام قرار داشت و به دلیل آن که منطقه سعیدیه نیز در اختیار نیروهای خودی بود، توانستیم از غرب نیروهای دشمن، یعنی منطقه شمال هور مچریه در کنار نهر تیل که از سابله منشعب می شود نیز به شناسایی یا عملیات اقدام کنیم.

در این شرایط، دشمن نیروهای خود را به شرق نهر تیل منتقل کرد و با این که می توانست تا منطقه دفار سفلی را نیز

خطوط مقدم و عقب نشینی از این خطوط، مجبور شده بود که در خطوط پدافندی جدیدی مستقر شود که مواضع تأمینی، مانند میدان مین و سیم خاردار در مقابل خود نداشت، به ویژه آن که فاصله نیروهای خودی و دشمن نیز بسیار کم شده بود. از سوی دیگر، طبق اسناد به دست آمده، علی رغم این که دشمن احتمال حمله را از سوی نیروهای اسلام می داده است، اما استعداد این تهاجم را حداکثر یک تیپ پیاده حدود ۱۰۰۰ الی ۱۵۰۰ نفر از سوی سپاه و نیروهای مردمی برآورد کرده بود. با این حال، ارتش عراق در حمله نیروهای خودی، عملاً با چند برابر این تعداد روبه رو شد. این مسئله نشان داد که برآورد فرماندهان عراقی اشتباه بوده است. چنین اشتباهاتی، زمینه های تردید فرماندهان عراقی را تشدید می کرد و آنان احتمال می دادند که چه بسا در مدت کوتاهی، همین سرپل نسبتاً قوی نیز مورد تهاجم نیروهای ایران قرار گیرد آنها به این نتیجه رسیده بودند که با شناسایی نیروهای در خط ایران، نمی توانند به استعداد نیروی هجوم کننده پی ببرند.

استدلال های ارتش عراق برای تخلیه سرپل اشغالی در شمال رود نisan

۱) آسیب پذیری در جبهه های دیگر

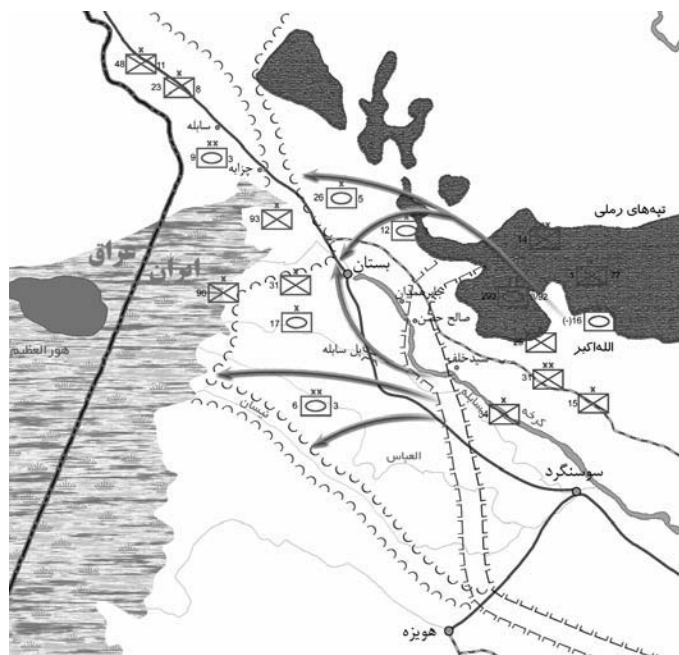
همان گونه که گفته شد عراق برای تقویت این منطقه نیروهای زیادی را از محورهای دیگر، مانند دزفول، شوش، اهواز و غرب به این منطقه منتقل کرده بود، ولی به لطف خداوند تبارک و تعالی به اهداف خود دست نیافت. از سوی دیگر، آن جبهه ها از حالت همیشگی خود بیرون آمده و این موضوع از دید ما نیز مخفی نمانده بود. عراق هم می دانست که ما از این موضوع آگاهیم و اگر در هر یک از محورهای دیگر، نسبت به نیروهای عراقی تهاجمی هر چند ضعیف انجام شود، افزون بر نداشتن خطوط دفاعی که استعداد مقابله داشته باشند، نیروهای احتیاطی برای پاتک و تقویت خطوط نیز در اختیار ندارد، به ویژه آن که پس از گذشت چند روز از عملیات طریق القدس، طرح عملیات طلوع فجر با استعداد درخور توجهی در محور گیلان غرب انجام شد و این احتمال را تقویت کرد که آسیب پذیری خطوط دفاعی دشمن افزایش یافته است.

به اشغال خود درآورد، اما این کار را نکرد؛ بنابراین، ستادهای سپاه و ارتش پس از شناسایی منطقه و مذاکره درباره نحوه اقدام، به این نتیجه رسیدند که در شاخه غربی نهر تیل، یعنی عقبه شمالی دشمن، جبهه جدیدی را بگشایند و دشمن را از دو یا سه سو درگیر کنند.

در تاریخ ۶۰/۹/۱۷، تیپ ۲۴ مکانیزه به منطقه شمال نisan وارد شد و با تیپ ۴۸ پیاده که به علت از دست دادن توان، قادر به پدافند در منطقه نبود، تعویض شد. علی رغم محدودیت منطقه، دشمن مجبور شده بود واحدهای بسیاری را در محدوده ای به وسعت حدود یک صد کیلومتر مربع و با عقبه ای که یک رود پرآب با عرض حدود سی متر آن را محدود می کرد، مستقر کند. تراکم واحدهای ارتش عراق به حدی بود که حتی تعدادی از آنها موفق به احداث مواضع پدافندی نشده بودند. این واحدها عبارت بودند از:

- الف) تیپ ۲۴ مکانیزه؛
- ب) تیپ ۳۰ زرهی؛
- ج) تیپ ۹۶ پیاده؛
- د) تیپ ۲۵ مکانیزه؛
- د) تیپ ۱۲ زرهی؛
- و) تیپ ۱۶ زرهی؛ و
- ه) واحدهای متفرقه پیاده و جیش الشعبی در حدود دو گردان.

دشمن افزون بر تراکم نیرو، به علت شکست در



۲) نامساعد بودن موضع پدافندی شمال نیرسان

پس از کاهش درگیری‌ها، مواضع جدید پدافندی عراق در شمال نیرسان، افزون بر داشتن مشکلاتی از نظر مین، سیم خاردار و نزدیکی خطوط، به دلایل زیر برای یک پدافند قوی و مطمئن نیز مناسب نبود:

الف) محاصره بودن مواضع پدافندی و تشکیل خطوط دفاعی متعدد
دشمن در این سرپل اشغالی، در طول خط دفاعی اش، با نیروی خودی به صورت جبهه‌ای درگیر بود و مجبور بود در تمام طول خط، رده‌های اول، دوم یا سوم پدافندی تشکیل دهد و از آنها مراقبت کند. این مسئله به نیروی بسیار زیادی نیازمند بود، در حالی که ارتش عراق در آبادان، تنها دو جبهه اصلی داشت و منطقه نبرد از وسعت چندانی برخوردار نبود.

ب) قرار داشتن رودخانه در پشت مواضع دفاعی

در این منطقه نیز، مانند جبهه آبادان از نظر پشت جبهه، به یک رودخانه متکی بود و علی‌رغم این که تعداد پل‌های روی رودخانه از دو پل، به هفت پل رسیده بود، ولی باز هم به هنگام یک تهاجم گسترده و سریع، نمی‌توانستند درخور اطمینان و اعتماد باشند.

ج) دسترسی نیروهای خودی به عقبه دشمن

با شکلی که مواضع پدافندی عراق پیدا کرده بود، غرب این منطقه که عقبه جبهه دشمن محسوب می‌شد در اختیار نیروهای خودی بود. در نتیجه، این امکان برای ما وجود داشت که پس از شناسایی، یکی از محورهای تهاجم اصلی خود را از این محور قرار دهیم، به ویژه آن که آمادگی ارتش عراق در این قسمت از سایر خطوط کم‌تر بود و مجبور می‌شد که در عقبه واحدهای خود نیز خط دفاعی تشکیل دهد. این مسئله موضوع سرپل بودن منطقه را تقویت می‌کرد و باعث می‌شد تا فرماندهان عراق به این نکته پی ببرند که نیروی زیاد نیز برای پدافند کافی نیست.

د) تجربه تلخ فرماندهان عراق از شکل نامناسب خطوط پدافندی

آبادان

افزون بر سه نکته مزبور، تجربه بزرگ و سنگینی نیز در خاطره فرماندهان عراقی وجود داشت و آن حمله پیروزمندانه عملیات ثامن الائمه علیه السلام در آبادان بود.

این مسئله نیز نامناسب بودن مواضع پدافندی را تایید می‌کرد و نشان می‌داد که این خطوط چه اندازه در مقابل تهاجم نیروهای اسلام آسیب‌پذیر هستند.

۳) ناتوانی نیروها برای مقاومت در مواضع

نیروهای عراقی به دلیل گسترده بودن حمله ایران و در نتیجه، بالا بودن میزان تلفات وارده و واحدها، به سه دلیل زیر قادر به ادامه مقاومت و پدافند نیستند:

الف) افت روحیه نیروها

روحیه پرسنل ارتش عراق به علت طولانی شدن جنگ و نداشتن انگیزه نبرد، کاهش یافته و با این حمله نیز افت بیشتری پیدا کرده است. دشمن روی نیروهای ما چندان حساب نمی‌کرد، به همین دلیل هر یک نفر نیروی با ایمان ما بر ده نفر نیروی دشمن غلبه کرد و چنان رعب و ترسی در وجود دشمن پدید آمد که باقی مانده نیروهای عراقی، حتی برای ادامه پدافند هم مناسب نیستند.*

از نظر تیپ‌های مستقر در شمال نیرسان نیز فقط تیپ ۲۴ در درگیری‌ها حضور نداشت، دلیل آن هم تعویض این تیپ به دلیل تلفات زیاد بود. البته، پرسنل همین تیپ که در درگیری‌ها حضور نداشتند، گفته بودند که، این جا قتلگاه ماست و سرنوشت ما نیز مانند دیگران خواهد بود. افزون بر این، همه عراقی‌ها در اطراف خود اجساد هم‌ردیفان، سلاح‌ها و تجهیزات و تانک‌ها و نفربرهای خاکستر شده را می‌دیدند که در تضعیف روحیه آنان، نقشی مؤثر و تصاعدی داشت.

ب) عدم آمادگی رزمی

به جز تیپ ۲۴ سایر یگان‌هایی که در منطقه پدافند می‌کردند همان واحدهایی بودند که در درگیری قبلی ضربه خورده بودند و سازمان آنها متلاشی شده بود. به طور قطع، این یگان‌ها به تجدید سازمان نیاز داشتند و باید از منطقه خارج می‌شدند. البته، تأمین این خواسته، به استقرار واحد جدید در منطقه محتاج بود که البته، انجام آن برای عراق امکان‌پذیر نبود.

ج) مشکلات لجستیکی

واحدهای مستقر در منطقه از نظر پشتیبانی و لجستیک نیز بسیار کمبود داشتند و در اثر ضربات وارده قادر به انجام

* خداوند در آیه ۶۴ سوره توبه می‌فرماید: «اگر بیست نفر مومن صابر باشید بر دویست نفر از دشمن غالب خواهید بود» و در آیه ۴۳ سوره انفال می‌فرماید: «زیادی دشمن را در چشم شما کم جلوه دادیم و زیادی شما را برای دشمن طوری جلوه دادیم که روی شما حساب نکنند»

خودی را به سمت محورهای اصلی، مانند جفیر و جاده اهواز - خرمشهر به تأخیر بیندازد. در این صورت، دشمن در وهله نخست تلفات زیادی نخواهد داد؛ بنابراین، اتخاذ این راهکار، محتمل تر به نظر می‌رسد.

۳) اشغال مواضع پدافندی فقط در جنوب کرخه نور

توپوگرافی منطقه مشخص می‌کند که اگر آب در منطقه، رها شود، حد فاصل دو رود نیسان و کرخه نور را فرا خواهد گرفت. به همین دلیل، ممکن است دشمن جنوب کرخه نور را برای مواضع پدافندی انتخاب کند و حد فاصل این دو رود را با کمک نهرهایی که از نیسان احداث می‌کند یا با آبی که از سد کرخه تا غرب جاده سوسنگرد - هویزه امتداد دارد پر از آب کند و مانع تردد ما در منطقه شود. البته، باید به این نکته توجه داشت که سرچشمه آب‌های منطقه در اختیار نیروهای خودی است. انهدام پل روستای رفیع و قطع راه ارتباطی آن منطقه و اخبار احداث یک خاکریز قوی و عریض در جنوب کرخه نور می‌تواند تأییدی بر اجرای این راهکار از جانب دشمن باشد.

در هر حال، به نظر می‌رسد باید منتظر تغییرات بعدی دشمن بود و دقیقاً به جزئیات مسئله توجه کرد. ما باید از نظر روانی این پرسش را در ذهن نیروهای عراقی القاء کنیم که اگر قرار بود شما به سادگی و با سرعت عقب‌نشینی کنید، پس برای چه در مقابل تهاجم نیروهای ایرانی مقاومت کردید؟ چرا پس از این همه کشته، زخمی و تلفات لجستیک به عقب‌نشینی سریع از مواضع مجبور شدید؟ ایجاد این ابهام در میان نیروها و فرماندهان عراقی می‌تواند اختلاف میان آنان را دامن زند و توان رزمی آنان را کاهش دهد.

مأموریت‌های محوله نبودند و باید منطقه عملیات را ترک می‌کردند.

۴) اهمیت ناچیز منطقه اشغالی

پس از این که دشمن مناطق حساس، استراتژیکی مانند تنگه چزابه، شهر بستان، نهر سابل و منطقه هور سعیدیه را از دست داد، مجبور شد اعتراف کند که شهر بستان را از دست داده است. بدین ترتیب، منطقه شمال نیسان دیگر ارزش نظامی و سیاسی چندانی برای ارتش عراق نداشت، به ویژه آن که فرماندهان عراق نمی‌توانستند این مسئله را مستمسکی برای عدم اجرای طرح ایران قرار دهند.

نتیجه‌گیری

دشمن، از مجموعه مطالب مزبور، نتیجه گرفت که محاسن حفظ سرپل از معایب آن کم‌تر است. در نتیجه، منطقه اشغالی شمال نیسان را تخلیه کرد. البته، هنوز تعدادی از واحدهای عراقی در شمال نیسان مانده‌اند، ولی به احتمال قریب به یقین آنها نیز منطقه را ترک خواهند کرد. درباره ادامه حرکت عراق، سه احتمال را می‌توان بررسی کرد:

۱) اشغال مواضع پدافندی در جنوب رودخانه نیسان

در صورتی که دشمن هدف خود را تسلط بر نیسان و پدافند در جنوب آن و حفظ منطقه بین نیسان و کرخه نور قرار دهد، با اجرای آتش‌های شدید، به نیروهای ایرانی کم‌تر اجازه خواهد داد که به رودخانه نزدیک شوند یا در نزدیکی آن، خاکریز احداث کنند. حتی در این صورت، ممکن است رده‌های تأمینی پیاده را در شمال نیسان نیز حفظ کند. البته، باید به این مسئله توجه داشت که در حال حاضر، هیچ‌یک از موارد اشاره شده در منطقه عملیاتی مشاهده نمی‌شود.

۲) اشغال مواضع مهم پدافندی در جنوب کرخه نور و

مواضع تأمینی در جنوب نیسان

به نظر می‌رسد که دشمن موضع اصلی پدافندی خود را در جنوب رود کرخه نور قرار دهد و احتیاط رده‌های تیپ و لشکر را در جنوب آن مستقر کند و رده‌های ضعیف و تأمینی را در حد نیروهای پیاده و یک گردان مکانیزه و یک گردان تانک در شمال کرخه نور و جنوب نیسان گسترش دهد. این راهکار برای دشمن مفیدتر خواهد بود و می‌تواند تهاجم گسترده نیروی

